

زحمتکشان علیه فقر

شاتره آینده را
ترسیم می‌کنند

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۹

۱۰ تیر ۱۳۷۹
۳۰ ژوئن ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

یکسال پس از ۱۸ تیر
آفق روشن پیروزی

صفحه ۳

آزادی جنسی
و اصحاب کهنه!

صفحه ۳

بستن جاده گرج،
پیکت در خیابان آذری
آنگاه چه خواهد شد؟

صفحه ۲

لوگوموتیو اصلاحات!
لوگوموتیو انقلاب!

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

0044 771 461 1099
0044 208 962 2707

۷ تیر طنین اعتراض هزاران تن از زنان زحمتکش شهرک شاتره در جنوب اسلام شهر در نزدیکی تهران، حاکمین اسلامی را به وحشت انداخت. بیش از چهار هزارتن از زنان این شهرک در اعتراض به محرومیت و بی امکاناتی به خیابانها آمدند و بر علیه حاکمین اسلامی شعار دادند. اعلام کردند که دیگر تحمل اینهمه مشقت و محرومیت را ندارند.

در این تظاهرات که از ساعت ۹ صبح شروع شد، تظاهرات کنندگان با آتش زدن لاستیک جاده ساوه را بستند، اجتماع کردند و به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی پرداختند. یکی از سخنرانان این تظاهرات، ضمن اشاره به شکاف عظیم طبقاتی و سوده‌های کلانی که هرروزه به جیب سرمایه داران سرازیر میشود،

به وضعیت فلاکت‌بار مردم این شهرک و بی حقوقی آنان پرداخت و سیاستهای حکومت اسلامی علیه مردم زحمتکش را به باد حمله گرفت. نیروهای سرکوبگر به مردم یورش آوردند اما با پیوستن بخشهای دیگری از مردم

بویژه جوانان این شهرک به صفوف تظاهرات اعتراض اوج تازه ای گرفت. تظاهرات مردم شاتره که با شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و خواست پایان دادن به بی امکاناتی شهرک از قبیل برق و آب و گاز همراه بود،

ساعتها ادامه یافت. ستونهایی از پلیس ضد شورش جمهوری اسلامی برای فرونشاندن تظاهرات به این شهرک کسپیل شدند و با گاز اشک آور و باتوم به مردم یورش آوردند. بنا بر یک گزارش راههای ورودی این شهرک و ارتباط آن با بیرون قطع گردید.

مقاومت مردم در مقابل نیروهای سرکوبگر تا ساعت سه بعد از ظهر ادامه یافت. تعدادی از مردم زخمی شدند و تعداد زیادی توسط نیروهای سرکوب دستگیر شدند. اعتراض مردم زحمتکش شاتره حلقه ای است از حرکتی عظیم و اعتراضی که از مدتها پیش آغاز شده است. از ۱۸ تیر سال قبل تاکنون مردم زحمتکش و آزادیخواه، زنان و جوانان، کارگران

و مردم محروم و عاصی، لحظه ای مرتجعین اسلامی را آرام

نگذاشته اند. اعتصابات کارگری همراه با اعتراضات گسترده مردم در شهرهای کردستان، خلخال و رشت و مشهد و خزانه و شهرهای متعدد دیگر همگی در یک چیز

مشترکند: مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و دیگر کوتاه نمی آیند.
حزب کمونیست کارگری، کارگران و مردم آزادیخواه را به

حمایت از خواسته‌های عادلانه مردم شاتره و مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان و کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند.

"قوه قضائیه" و درد "توسعه"

منصور حکمت

۱۵۱ نماینده دوم خردادی مجلس یقه "قوه قضائیه" را گرفتند و فوراً در اردوی جناح راست ولوله افتاد. مرافعه دیر یا زود میبایست روی این موضوع متمرکز شود. با از کف رفتن مجلس، "قوه قضائیه"، همراه مجلس خبرگان و جناح رهبر مهم ترین سنگر جناح راست محسوب میشود. این "قوه" تا این لحظه دست بازی در ایجاد مزاحمت برای خودی های رقیب و زدن و بستن غیر خودی های ناراضی داشته است. در یک ستون لیست طویلی از جرائم از پیش تعریف شده را یادداشت کرده اند و در ستون دیگر اسم کاندیداهای ارتکاب این جرائم را نوشته اند. هر چهارشنبه قرعه کشی میکنند و جرمی را به ناف کسی میبندند. در ستون اول از اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل و توهین به رهبر و اسلام و

نظام، تا بستنی خوردن با وابسته فرهنگی سفارت آلمان و شرکت در میهمانی لواسانات و سخنرانی در برلین و بیرون آمدن از دانشگاه و تلفن بی اجازه به خارج هست. دستگیری دیروز محسن رهامی و شیرین عبادی بجرم شرکت در ماجرای "تکتیر نوار" خلایق شگرف این "قوه" را در ابداع بموقع جرائم کارساز نشان میدهد.

حال دوم خردادی ها میخواهند مقررات بازی در زمین قضایی را بر طبق تناسب قوای جدید تعریف کنند. دستپاچگی و روحیه تدافعی خامنه ای و شاهرودی و اوپاش مطبوعاتی جناح راست در مقابل این حرکت جناح مقابل خبر از یک نگرانی و بی برنامه‌گی جدی میدهد. تاکتیک اینها برای حفظ "قوه قضائیه" بعنوان یک ابزار در جدال جناحی روشن نیست. شاهرودی نمیتواند با همان سرعتی که کمپ دوم خرداد ژورنالیست و وکیل ناراضی و طومار و شکوه نامه



و سفر و سخنرانی بیرون میدهد، جرم بسازد و آدم دستگیر کند. کف به لب آوردن و هوار کشیدن و اعلام اینکه "قوه قضائیه" به این حرفها کاری ندارد و "مستقلاً" به "توسعه قضایی" خود ادامه میدهد شاید برای روحیه ده نمکی ها و حسن شریعتمداری ها و کمپ منتظر کودتا در راست مفید باشد، اما یک سیاست قابل ادامه نیست و به سرعت به یک موج برگشت وسیع منجر میشود. بخوبی واضح است که راست فاقد یک طرح تاکتیکی برای

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بستن جاده کرج، پیکت در خیابان آذری آنگاه چه خواهد شد؟

مصطفی صابر

در یکی دو هفته اخیر اعتراضات کارگری نگاه ها را به خود جلب کرد. تجمع کارگران کارخانه کفش ملی در مقابل کارخانه در جاده کرج، بستن اتوبان کرج توسط کارگران کارخانه علاء الدین، پیکت و اجتماع مداوم کارگران کارخانه آدامس خروس نشان در خیابان آذری و تجمع کارگران شرکت رجایی ساری در مقابل استانداری مازندران، از این جمله اند. اعتراضات کارگری، بویژه طی دوسه سال اخیر، تقریباً بطور دائمی ادامه داشته است. این اعتراضات یا به مطبوعات جمهوری اسلامی راه نمی یابد یا معمولاً در گوشه ای پرت، در "صفحه حوادث" و یا حداکثر در صفحه اقتصاد چاپ میشود. بندرت، و بسته به منافع سیاسی و جناحی روزنامه ها و رژیم است که اعتراضات و حرکات کارگری به صفحه اول راه می یابد. چاپ خبر اعتراض اخیر کارگران کفش ملی در صفحه اول کیهان (اول تیر ۷۹) با ژست ابلهانه جناح راست که این روزها در مقابله با مجلس دوزخدای دلسوز "معیشت مردم" و "اقتصاد"

شده است، همخوانی داشت. (برای مطالعه دعوی جناح ها در این رابطه، به انترناسیونال هفتگی ۸ رجوع کنید.) تاکنون وظیفه سینه زدن برای اعتراضات کارگری به منظور مهار این حرکات، در تقسیم کار حکومتی به خانه کارگر سپرده شده بود. حالا ظاهراً جناح راست هم سعی میکند تا مستقیم تر در این عرصه فعال شود. اگر خانه کارگر و شوراهای اسلامی اش توانسته است جایی در جنبش اعتراضی کارگران پیدا کند، این دیر رسیدگان مسخره هم خواهند توانست. همانطور که طرفداری حزب اسلامی کار دوزخدای از "آزادی اعتصاب" تنها بیانگر وحشت اینها از پتانسیل اعتراضی و سیاسی بالای جنبش کارگری است، سینه زنی های کیهان جناح راست برای "معیشت"، صرف نظر از کاربردهایی

دریافت نمی کند. حتی همین بخش هم هنوز از تشکل های پایدار خود برخوردار نیست. تصورش را بکنید وقتی کارگران بتوانند صفوف خود را متحد کنند؛ اگر کارگران اتوموبیل سازها، ذوب آهن و نفت و توانیر و غیره فعالانه به میدان بیایند؛ مجامع عمومی منظم و شوراهای واقعی در مراکز مختلف برپا شود و کارگران متشکل شوند، و افزایش دستمزد، ۳۰ ساعت کار و بیمه بیکاری و بهداشت رایگان، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، لغو حجاب اجباری، برابری زن و مرد، جدایی دین از دولت و رهایی از شر جمهوری اسلامی و از ستم و استعمار را بر پلاکاردهای خود بنویسند. آنگاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟!

از صفحه ۱

"قوه قضائیه" و درد "توسعه"

مراحل آخر جدال جناحی است. بطور عینی راهی بروی آن باز نیست. در پس این جنگ و گریز بر سر "قوه" های مختلف، استیصال راست کاملاً قابل مشاهده است. نه عقب نشینی قوه به قوه و نه افسار گسیختن و ضربه نظامی هیچکدام پاسخ مساله نیست. باید منتظر فعل و انفعالات مهمی در درون کمپ راست بود.

از سوی دیگر میدان مانور دوم خرداد نیز مدام تنگ تر میشود. یکی از عواملی که جدال بر سر تعلق جناحی و عملکرد قوه قضائیه را حاد و حساس میکند این واقعیت است که خاتمی و دولت و جناح دوم خرداد از نظر سیاسی و در انظار مردم دیگر مطلقاً نمیتوانند در قبال دستگیری ها و محاکمات نمایشی، در قبال پاپوش دوزی ها و پرونده سازیهای محاکم رژیم علیه مردم و ناراضیان، از خود سلب مسئولیت کنند و خود را به کوچه علی چپ بزنند. خیره کننده است که در این مملکت رئیس جمهوری یک نظام، رئیس کابینه و مسئول مافوق وزارت اطلاعات توانسته تا این لحظه از قبول مسئولیت شراکت در قتلهای فجیعی که کارمندان و حقوق بگیرانش مرتکب شده اند شانه خالی کند و همچنان به ریش مردم بخندد. اما پس از

قرار میگیرند. مردم بدرست مسئولیت اعمال قوه قضائیه را به پای حکومت و هردو جناحش مینویسند.

اما پیدا کردن یک فرمول حتی برای مصالحه دوره ای بر سر قوه قضائیه چندان آسان نیست. شک نیست که دوم خردادی ها میخواهند طرفداران خود را از حبس در بیاورند و روزنامه های خود را دایر کنند. اما یک دشواری کار اینجاست که هردو جناح باید این جدال بر سر قوه قضائیه را به نحوی پیش ببرند که قدرت دستگیری و سرکوب مخالفان را از حکومت خویش سلب نکنند. این واقعیت چهارچوب معامله ای که باید بر سر قوه قضائیه میان جناحها صورت بگیرد را بشدت محدود میکند. حتی اگر راست ها در برابر دوم خردادی ها عقب بنشینند، کاهش فشار "قوه قضائیه" بر دوم خردادی ها به احتمال قوی با نوعی قدرت نمایی و شدت عمل در برابر غیر خودی ها و توده مردم همراه خواهد شد. و این از نظر مردم نه فقط صورت مساله را در اساس دست نخورده باقی میگذارد بلکه به افشای بیشتر دوم خردادی ها و بند و بست جناحها و تشدید تقابل مردم با حکومت منجر میشود. خشونت، بگیر و بسندهای دلخواهی هرروزه، محاکمات قلابی و نمایشی، اتهامات دروغین، شکنجه و

مجازاتهای ضد بشری، این چهره رژیم اسلامی در بعد "قضائیه" است. مادام که این تغییر نکرده باشد، حتی اگر امثال عبدالله نوری و گنجی و رهامی بخانه برگشته باشند، تغییری در منظره عمومی نمیدهد.

برخلاف مجلس اسلامی و "قوه مقننه"، که اساساً تریبونی برای جدل و مانور و سخن پرانی جناحهاست و "توسعه" و عدم "توسعه" در آن معنی فوری و ملموسی برای جامعه ندارد، "قوه قضائیه" مستقیماً به مساله زندانها و محاکمات و دستگیری ها و اعدامها مربوط میشود. و این رکن موجودیت حکومت است. عامل اصلی بقاء تاکنونی آن است. هر نوع تعدیل در این به

معنای تغییر فوری رابطه مردم و رژیم است و بر روانشناسی مردم در حرکات اعتراضی جاری، نظیر تظاهرات و درگیری در شاتر، اعتصابات کارگری، حرکات مستقل دانشجویی و غیره تاثیر فوری میگذارد. از اینرو جدال جناحها بر سر قوه قضائیه، درست مانند مساله ولایت فقیه، کشادتر، حساس تر و برای کل حکومت مخاطره آمیز تر از جدال بر سر مجلس اسلامی است. انتخاباتهای کمتری جلوی دو جناح باز است و فرجه سازش و مصالحه کمتری وجود دارد. و همه اینها به معنی رانده شدن جدال به بیرون حکومت و به میان کشیده شدن پای مردم است.

روزنه دات کام

نشریه ای اینترنتی از

حزب کمونیست کارگری ایران
<http://www.rowzane.com>

سردبیر: کورش مدرسی

آخرین اطلاعاتی های حزب، مقالات جدید ویژه روزنه، منتخب مقالات نشریات مختلف، اطلاعیه ها و مقالات اعضاء و فعالین حزب، آرشیو جامع اسناد و اطلاعات در مورد حزب، معرفی ارگانها و کادرهای رهبری حزب، اتصال به سایر سایت ها و مطالب بسیار دیگر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آزادی جنسی و اصحاب کُهِف!

مصطفی صابر

اختناق، مرعوب کردن انسانها، تحقیر کردن آنها و اعمال حاکمیت یکی از سیاهترین حکومت‌های حاضر است.

از آنسو، سنگسار، صیغه و جنایی کردن روابط آزاد جنسی، همزاد طبیعی و مکمل چادر و مقنعه و موقعیت فرودست زن است. ممنوعیت آزادی در روابط جنسی قبل از همه زنان را نشانه می‌رود. در جوامع مردسالار کنونی و در تمام طول تاریخ جوامع طبقاتی، هر وقت گفتند "گمربند عفت بیندید"، "پرده بکارتان را حفظ کنید"، "حیانت نکنید"، "عفت را رعایت کنید"، "بی بند و باری نکنید" و نظیر اینها، همیشه روی سخن با زنان بوده است. گرچه ممکن است از لحاظ حقوقی مرد را هم خطاب قرار داده باشند، اما در عمل برای اجرای "تکنید و



نکنید" ها این زن است که باید به درون کیسه برود، در سیاه چال نگهداری شود، از حریم خانه پدر و شوهر پا فراتر نگذارد، تنها به سفر نرود، برای رفتن به سر کار اجازه پدر و شوهر و قیم را بیاورد، حق طلاق نداشته باشد، حتی نخندد و به دوربش نگاه نکند! چرا که این اوست که "ناموس" مرد و خانواده و فامیل محسوب میشود. حتی در جوامعی نظیر ایران، پسر بچه ها از اولین روزهای بلوغ میتوانند سکس داشته باشند، و حتی مورد راهنمایی و تشویق دائمی و عمو و غیره هم قرار بگیرند. برای دختران نه فقط چنین چیزهایی میتوانند به قتل و ترور و گوش و زبان بریدن و یا خودکشی آنها منجر شود، بلکه در بهترین حالت از جامعه پیرامون خود طرد میشوند و مورد بیشترین زخم زبان قرار میگیرند و "بی عفت" و "خراب" و صد چیز بدتر بارشان میشود. ستمکشی زن در جامعه حاضر لایه های گوناگونی دارد. اما یکی از سرسخت ترین و موثرترین لایه ها همانا این جنایی کردن، قبیح و ضد اخلاقی جلوه دادن روابط آزاد و داوطلبانه جنسی است.

برای اولین بار در تاریخ ایران یک جنبش وسیع و قدرتمند برای مدرنیسم و سکولاریسم بویژه در بین جوانان چه دختر و چه پسر برافزاده است که در کنار خصائل دیگرش از جمله ضد مذهبی و شدیداً آزادیخواهانه بودن، در عین

تعجیبی ندارد در کشوری که عشاق را سنگسار میکنند، انسانها را بخاطر روابط جنسی خارج از ازدواج دستگیر میکنند، محاکمه میکنند، شلاق میزنند و اعدام میکنند، خواست آزادی در روابط جنسی به یک مطالبه اساسی مردم و بویژه جوانان تبدیل شود. تعجب در مشاهده کسانی است که با این مطالبه مخالفت میکنند، آنرا "زواج بی بند و باری" میخوانند، مخالف "طبع و مرام" ایرانی میدانند، یا میگویند "خیلی زود" است و در بهترین حالت به آن روی ترش نشان میدهند، اما در عین حال خود را "پوزیسیون"، "روشنفکر"، "امروزی" و حتی "فعال جنبش زنان" مینامند!! (۱)

وزن تابوی سکس و سنن فحیمه ایرانی و اسلامی بر این آقایان و خانمها آنقدر سنگین است که حتی قادر نیستند دو قدم آنطرف تر را ببینند و اهمیت اجتماعی و سیاسی مبارزه برای آزادی در روابط جنسی، بویژه نقش آن در مبارزه برای رهایی زنان را درک کنند. آزادی روابط جنسی، یعنی برسمیت شناختن حق انکار ناپذیر همه افراد بزرگسال که به سن بلوغ قانونی رسیده اند در برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی (۲)، صرفاً برای این نیست که دختران و پسران، زنان و مردان بتوانند از داشتن رابطه انسانی و برابر جنسی با یکدیگر لذت ببرند. گو اینکه حتی همین یک جنبه کافی است تا آنرا آزادی روابط جنسی بعلاوه یعنی کوتاه کردن دست دولت، مذهب، قانون و در نتیجه سنن عقب مانده در خصوصی ترین مسائل انسانهاست. سرکوب روابط آزاد جنسی در ایران، از گرفتن دست همدیگر در خیابان تا انتخاب آزادانه دوست پسر و دوست دختر، و تحمیل سنت های پوسیده و ریاکارانه مذهبی در روابط جنسی (نظیر صیغه، چند همسری برای مرد و غیره) تلاش برای حفظ فرهنگی است که پایه حکومت اسلامی و وحشی ترین انواع ارتجاع سیاسی در آن کشور است. راه انداختن اینهمه گشت ثارالله و فاطمه زهرا روشی برای برقراری

ای هستند که جوانان ایران علیه اش بر خاسته اند. میتوانند مثل نمونه برخوردشان به برهنه شدن یک زن بعنوان اعتراض در کنفرانس برلین، گوی سبقت از جمهوری اسلامی برآیند و شنیع ترین تبلیغات را سازمان دهند، و یا اینکه میتوانند آیت الکرسی بخوانند و بخودشان فوت کنند! در حرحال کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند و با او خواهند رفت.

۱. برای مثال در مصاحبه خانم عفت ماهباز با خانم مهرانگیز کار، که روز ۲ تیر ماه بر روی سایت "ایران امروز" (وابسته به اکثریت) قرار گرفت، نظرات مصاحبه گر و مصاحبه شونده از این لحاظ بسیار خواندنی است. بررسی این مصاحبه را باید برای فرصت مناسب گذاشت.

۲. به "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری ایران رجوع کنید.

و مخالفین رژیم توطئه میچینند و پرنده سازی میکنند. اما هر روز بی آبروتر میشوند و خصومتشان را با آزادی و برابری مردم صریح تر بنمایش میگذارند.

مردم ایران دولت مذهبی نمیخواهند و علیه اختناق سیاسی و مذهبی و فقر و محرومیتی که این رژیم به میلیونها انسان تحمیل کرده است به میدان آمدهاند. جدائی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش و الغای کلیه قوانین تبعیض آمیز و مذهبی، آزادیهای وسیع و بی قید و شرط بیان و عقیده و آزادی کلیه زندانیان سیاسی، برابری شرط اجتماعات و اعتصاب و تشکل و احزاب، تامین فوری معیشت و بیکاری میلیونها کارگر و جوان، تامین رفاه اقتصادی و امنیت فردی و اجتماعی مردم، از خواستهای فوری و میلیونی مردم بجان آمده از این رژیم خون و فلاکت است. نه فقط جناحهای رژیم پاسخی برای این اوضاع ندارند بلکه خود مسبب آن و مانع اول آزادی و برابری مردم اند. باید بساط این رژیم را در داخل و خارج برچید. حزب کمونیست کارگری ایران در سالگرد ۱۸ تیر، یاد جانباختگان این اعتراضات را گرامی میدارد و آکسیونهایی در کشورهای مختلف برپا میکند. ما مردم آزادیخواه را به شرکت گسترده در این اجتماعات علیه رژیم جلاخان اسلامی فرامیخوانیم.

عناصر اسلامی و شرقی است و فشارهای زایدالوصفی بر دختران و زنان وارد میکند، اما بی شک عصر نوینی در شکستن تابوهای سکسی و بردگی جنسی انسانها در ایران شروع شده است. عصری که اولین پیشروی اش به گور سپردن جمهوری اسلامی بعنوان زخم تریب و سرسخت ترین مانع دستیابی به آزادیهای فردی و اجتماعی است. اینرا خود جمهوری اسلامی به خوبی حس کرده است. اینهمه فغان و اسلاما و خط و نشان کشیدن های خرمگس های جمهوری اسلامی علیه "بی بند و باری جوانها" و "رشد بی عفتی" بخاطر همین است. جماعت روشنفکر و سیاسیون سنتی ایرانی در آستانه غار کُهِف شرق زدگی، ایرانی گری و اسلام زدگی شان ایستاده اند، چشم هایشان را میمالند، حاج واج به آنچه که دور برشان میگذرد مینگرند، ولی باور نمی کنند. بخودشان مربوط است. لابد لایق همان دنیای ریاکارانه

تشیکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

یکسال پس از ۱۸ تیر افق روشن پیروزی

آرامش دعوت کردند. از ۱۸ تیر پارسال تا امروز، جنگ جناحها و بحران رژیم حادث شده و جنبش سرنگونی هر روز گلوی حکومت اسلامی را در داخل و خارج بیشتر فشرده است. از اعتصابات گسترده کارگری و تظاهرات هزاران نفره کارگران علیه سیاستهای ضد کارگری تا مراسمهای "برکنار، برکنار، حکومت آخوندی برکنار"، "آزادی اندیشه با ریش و پشم همیشه" و "وای به روزی که مسلح شویم!" جنگ خیابانی مردم در تهران و شهرهای بزرگ با کل رژیم اسلامی، شبح انقلاب دوم ایران؟! را به پرواز درآورد و خواب خلیها را بهم زد. این شش روز بیان این حقیقت مهم بود که مردم ایران جمهوری اسلامی نمیخواهند و این نخواستن را، با صدای بلند و علنا به رژیم اعلام کردند. در این شش روز هیچکدام از دار و دستههای رژیم، در سرکوب و محکوم کردن دانشجویان و مردم معترض، کوتاهی نکردند. بخشی‌شان با دشنه و چماق و گلوله حمله کردند، آتش زدند، زخمی کردند، کشتند و دستگیر و زندانی کردند. بخشی دیگر بلندگوها را بدست گرفتند و "خشونت!" دانشجویان و مردم را محکوم کردند. همزمان پیام همدردی دادند، به التماس افتادند و به

لوکوموتیو اصلاحات! لوکوموتیو انقلاب!

محسن ابراهیمی

از سیر گسترش بحران جمهوری اسلامی است.

گفتم همان چند هفته اول برای نشان دادن پوچی این ادعاها کافی بود. نمایندگان جبهه دوم خرداد دست در دست نمایندگان جناح مقابل گذاشتند و مهدی کروبی، رئیس مجمع روحانیون مبارز، یکی از آخوندهای مورد اعتماد امام و حزب الله، رئیس مجلس در دوره پاکیری جمهوری اسلامی را در تخت ریاست نشانند و ایشان هم خبرنگاران پارلمانی را جمع کرد و در چند جمله تصویر آینده "مجلس اصلاحات" را در مقابل این اپوزیسیون متملق که در بیست و یکسال گذشته به هیچ قیمتی حاضر نشده دمش را از توی بشقاب این یا آن جناح جمهوری اسلامی در بیابرد قرار داد:

"رئیس مجمع تشخیص مصلحت مانند ما و حتی پیش از ما به مصالح کشور فکر میکند، اعضای شورای نگهبان نیز متوجه مصالح نظام هستند، در عین حال، این دو نهاد به طور مستقیم زیر نظر رهبری هستند و مسلماً با درایت

به خاطر دارید که قبل از تشکیل مجلس ششم اسلامی، طیف اپوزیسیون دوم خرداد، جریان ملی-اسلامی-اکثریتی چه تبلیغات وسیعی در باره معجزه های مجلس ششم راه انداخته بود: یک امکان جدید برای تحقق اصلاحات سیاسی، یک پیروزی بزرگ برای آزادیخواهان، یک مجلس بینظیر از منظر مشروعیت سیاسی کل نظام، و بهترین شانس برای جمهوری اسلامی در بحران. اینها فقط چند تیتراژ آگهیهای تبلیغاتی این جریانها در رابطه با مجلس ششم اسلامی بود. لازم نبود مدت طولانی صبر کرد تا فهمید که این انتظارات و تصورات پوچ و بی پایه است. همان هفته اول کار مجلس اسلامی، به خوبی نشان داد که این امید آزادیخواهان، قرار است جنبش عظیم مردم برای آزادی را کنترل کند. و این بهترین شانس رهایی حکومت اسلامی از بحران، خود یک مقطع دیگر



و تدبیر مقام معظم رهبری، مشکلی پیش نخواهد آمد.

تصور نکنید که اپوزیسیون دوم خردادی این سخنان را شنید و شرمگین شد. نه خیر اینها در خاکساری برای جمهوری اسلامی، در تلاششان برای یافتن سوراخ ورودی به دربار اسلامی پیگیرتر از آن هستند که با این اتفاقات پس بنشینند. به همان کاری دست زدند که بیست و یکسال است انجام میدهند. دنبال راهی گشتند تا یک جناح جمهوری اسلامی را مظلوم و بیگناه و پاک جلوه دهند: ریاست مجلس دست جریان میانی افتاده است، اینها جناح ناپیگیر دوم خرداد هستند، اینها نقش ترمز در مقابل جنبش اصلاح طلبی را ایفا خواهند کرد.

اما درست در گرمای این توجیه جناحی از ارتجاع

اسلامی، در میان عجز و لایه و افسوس اینها که اگر "عضو پیگیر و چهره شاخص دوم خرداد" مثل بهزاد نبوی ریاست مجلس را به عهده میگرفت پروژه اصلاحات سرعت پیش میرفت، حجابیان، یک چهره شاخص تر و پیگیرتر دوم خردادی در تشریه "عصر ما"، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با کمال صراحت گفت:

"لغزش در جبهه دوم خرداد ممکن است یا در سمت و سوی اصلاحات رخ بدهد و یا در سرعت آن که هر دوی اینها خطرناک است... اگر سمت حرکت اشتباه باشد، به کجکشانهای ناکجا آباد پرتاب میشود و از مدار برنامه ریزی شده ی خود خارج میشود... سرعت زیاد جریان اصلاحات باعث میشود که مثل ماهواره ها شتاب بگیرد و بسوزد. لوکوموتیو اصلاحات نمیتواند خارج از ظرفیتهای موجود شتاب بگیرد."

این استعاره ها معانی سیاسی روشنی دارند. لوکوموتیو اصلاحات را اصولاً برای این وارد صحنه سیاست کرده اند چون صدای لوکوموتیو انقلاب را از دورادور شنیده اند. هر اعتراض کارگری، هر شورش مردم در شهرها، هر عصیان زنان و جوانان نشانه ای از براه افتادن لوکوموتیو انقلاب است و خوب میدانند که لوکوموتیو انقلاب کل بساط حکومت اسلامی

را همراه با مجلس و حاکم شرع و رئیس جمهور و ولی فقیه و مداحان ملی-اسلامی-اکثریتیش به دره پرتاب خواهد کرد. "سوختن ماهواره اصلاحات در کجکشانهای ناکجا آباد" به زبان آدمیزاد همان بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی است.

این همان حقیقت سیاسی است که که اپوزیسیون ملی-اسلامی و مجیزگویان اکثریتی حکومت اسلامی دوست دارند درباره اش خود را به خرفتی بزنند. ظاهراً قرار نیست داستان زندگی سیاسی این "اپوزیسیون" تا جمهوری اسلامی هست تغییر یابد. از قرار معلوم اینها تا آخرین لحظات عمر جمهوری اسلامی مصممند همچنان پیزر لای پالان حکومت اسلامی بگذارند و مداوماً از سران جمهوری اسلامی از جمله جناح دوم خرداد خفت و خواری تحویل بگیرند. و این کار آنقدر ادامه پیدا خواهد کرد که به قول مرتضی الویری، مشاور رئیس جمهوری، "زمانی خواهد رسید که شب بخوابیم و صبح بیدار شویم و ناگهان ببینیم مردم راه دیگری را انتخاب کرده اند." و البته آنگاه دیگر دیر است. آن موقع، مداحان نظام اسلامی باید در کنار سران حکومت اسلامی حساب پس بدهند.

به انترناسیونال هفتگی کمک مالی کنید

انترناسیونال هفتگی را در
ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

Website: www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email: haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com www.iwsolidarity.com
www.wpiran.org www.medusa2000.com
www.rowzane.com www.marxsociety.com
www.hambastegi.org www.kvwpiran.org

برنامه جلسات انجمن مارکس لندن

ژوئیه تا سپتامبر ۲۰۰۰ (July-September 2000)

توجه: این برنامه، تقویم اعلام شده قبلی را لغو میکند

شنبه ۲۲ ژوئیه کمونیسم کارگری در عراق (به زبان کردی) کورش مدرسی

ورودی: ۵ پوند اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

یکشنبه ۲۳ ژوئیه: فمینیسم، سوسیالیسم و طبیعت انسان اعظم کم گویان

ورودی ۲ پوند. اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

شنبه ۲ سپتامبر: بازخوانی کاپیتال مارکس (سمینار اول) منصور حکمت

ورودی: ۱۲ پوند اعضای احزاب کمونیست کارگری؛ ۷ پوند اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

یکشنبه ۳ سپتامبر: تاریخ شفاهی چپ:

از کومه‌له تا حزب کمونیست ایران ایرج فرزاد-حسین مرادیگی

ورودی ۵ پوند اعضای انجمن مارکس: رایگان

marxsociety@yahoo.com

تلفن ۰۰۴۴-۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۳۷

آخرین اخبار درباره برنامه سمینارهای انجمن، www.marxsociety.com